

باد سرد آرام بر صحرا گذشت -- سبزه زاران ، رفته رفته ، زرد گشت

باد سردی آرام آرام در صحرا وزید و کم کم سبزه ها و چمن زارها زرد شد

تک درخت نارون، شد رنگ رنگ -- زرد شد آن چتر شاداب و قشنگ

برگ های تک درخت نارون ، رنگارنگ شد و آن برگ های چتر مانند شاداب و زیبایش زرد شد

برگ برگ گل به رقص باد ریخت -- رشته های بیدبُن از هم گسیخت

با وزش باد برگ های گل یکی یکی بر زمین ریخت و رشته های درخت بید از هم جدا شد

چشمه کم کم خشک شد ، بی آب شد -- باغ و بُستان، ناگهان در خواب شد

کم کم چشمه خشک و بی آب شد و ناگهان تمام باغ ها و بوستان ها به خواب زمستانی رفتند

کرد دهقان، دانه ها در زیر خاک -- کرد کوتاه، شاخه ی پیچانِ تاک

کشاورز دانه هارا در زیر خاک کاشت و شاخه های بلند پیچ در پیچ درخت انگور را کوتاه کرد

فصل پاییز و زمستان می رود -- بار دیگر، چون بهاران می شود

فصل پاییز و زمستان سپری می شود و یک بار دیگر فصل بهار فرا می رسد

از زمین خشک ، می روید گیاه -- چشمه جوش ، آب می افتد به راه

از زمین خشک گیاه می روید و چشمه ها می جوشند و آب آن ها روان می شود

برگِ نو آرد، درخت نارون -- سبز گردد، شاخساران کهن

درخت نارون دوباره برگهای تازه می شوند و شاخه های بزرگ قدیمی سبز می شوند

گل بخندد، بر سر گل بوته ها -- پُرکند بوی خوش گل ، باغ را

بر سر بوته های گل ، غنچه ای شکوفامی شود و بوی خوش این گل باغ را پر می کند

باز می آید پرستو ، تغمه خوان -- باز می سازد در اینجا آشیان

دوباره پرستو آوازخوان و شاد می آید و در این باغ لانه می سازد